



غلامحسین مظلومی عقیلی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

خطر زرد را جدی بگیریم

آذربایجان بزرگ و رهایی آذربایجان "جنوبی" از فرمانروایی اشغالگران ایرانی را کرده بود. در تابستان سال ۱۹۸۹ "جبهه خلق آذربایجان" در باکو در اعلامیه‌ای خواهان "انگاز تمام مرزهای سیاسی در راه توسعه‌نی ارتباطات فرهنگی و اقتصادی با آذربایجان جنوبی می‌شود. (گفت‌وگو/ش/۳۳/۱۳۳ ص ۸۰) و شعار "اعاده‌ی وحدت قومی آذربایجانی‌ها" را پیش می‌کشد که "در دو سوی مرز زندگی می‌کنند" و آشکارا شعار آذربایجان واحد را مطرح می‌کند و می‌گوید: "مردم آذربایجان باید به مثابه‌ی یک تمامیت واحد مورد شناسایی قرار گیرند روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باید میان ملت تقسیم شده‌ی ما اعاده گردد" متناسفانه گردانندگان وزارت خارجه‌ی ایران در برابر این تجاوزات آشکار جمهوری آذربایجان به استقلال و حاکمیت ملی ایران، سیاست مداخلات را در پیش گرفتند، زیرا امیدوار بودند با صدور انقلاب به جمهوری "شیعه" نشین آذربایجان یک حکومت اسلامی در باکو روی کار آورند. شعارهای پان‌تورکیستی و تجاوزکارانه‌ی باکو به وحدت اسلامی تفسیر می‌شد حال آن که جبهه‌ی خلق آذربایجان از دیدگاه فکری به شدت ضد اسلامی بود. توفیق قاسموف از رهبران این جبهه در مقاله‌ای نوشته بود:

مسلمانی به معنای دقیق کلمه در آذربایجان نیست. بیشتر آذری‌ها حتی نمی‌دانند که در قرآن

سفیر جمهوری آذربایجان ضمن آن که آیت‌الله شریعتمداری را مظهر (نهضت آزادی بخش ملی آذربایجان جنوبی) در مقابل مقامات ایرانی نامیده بود از ایرانیان به عنوان اشغالگران آذربایجان جنوبی نام برده و آرزوی برپایی کشور

با فروپاشی شوروی خطر سرخ از بین رفت ولی خطر زرد پان‌تورکیست‌ها جای آن را گرفت

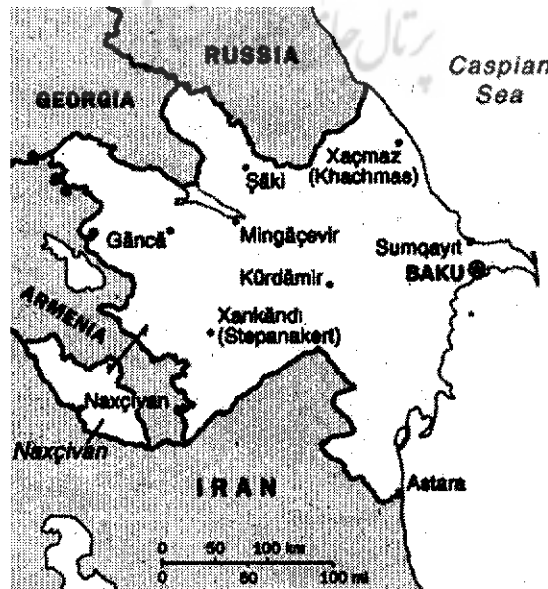
پس از فروپاشی شوروی، شرایط سیاسی خطرناکی در منطقه پدیدار شد. اگر در روزگار شوروی، "خطر سرخ" ما را تهدید می‌کرد، پس از فروپاشی "خطر زرد" جایگزین "خطر سرخ" شد. تا پیش از فروپاشی شوروی گروه‌های چپ مارکسیستی وابسته برای ایران خطر به شمار می‌رفتند و پس از آن خطر "پان‌تورکیسم" پدیدار شد. اتحاد شوروی از میان رفت، اما بر فراز خاکسترهای آن دشمنی سرسخت از نگره‌ی ساختار قومی ایران، خطرناک‌تر از اتحاد شوروی زاده شد. جمهوری آذربایجان که از همان روز نخست زایش سیاست ضد ایرانی سرسختانه‌ای در پیش گرفته بود، در پی اتحادی راهبردی با ترکیه، اسرائیل و آمریکا، شعار آذربایجان واحد را

پیش کشید. نصیب نصیب‌زاده نصیبی سفیر پیشین جمهوری آذربایجان در ایران و از اعضای رهبری حزب پان‌تورکیستی مساوات در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۸ در باکو به چاپ رسانید نوشت:

آذربایجان جنوبی (یعنی آذربایجان ایران) می‌تواند قوی‌ترین و وفادارترین متحد بالقوه در آینده قابل پیش‌بینی تلقی گردد، اندیشه‌ی یک آذربایجان واحد در جمهوری آذربایجان از مقبولیت گسترده‌ای برخوردار است.

(فصلنامه گفت‌وگو/ش/۳۳/خرداد۸۱)

ص ۷۴





چيست. دين به صورت چنان كاملی در
جمهوری ما سرکوب شده كه تقريباً به
دست فراموشی سپرده شده است.
(گفت و گو، ص ۸۲)

يکي از رهبران جبهه‌ی خلق آذربايجان اکرم
ايليسلی - در گفت و گویی با نشریه "ادبيات و
تاريخچه" شماره ۱۲، ژوئيه ۱۹۸۸، ايران را
بزرگترين استبداد آذربايجان ناميده و اعلام
می‌دارد: ملت هنوز خود را از شر نفوذ بزرگترين و
خشن ترين استعمارگر خود، ايران خلاص نکرده
است. گفت و گو، ص ۸۲

اکرم ايليسلی در همان گفت و گو به تندى بر
اسلام می‌تازد و اسلام را یک دين واپس گرا خوانده
و می‌گويد: اگر نظر مرا بخواهيد دين اسلام نه
فقط هيچ روشنگری با پيشرفتی برای زندگی مردم
آذربايجان به همراه نداشت بلکه بر عکس بی دليل
نیست كه بسياری از کسانی كه برای ملت ما طلب
ترقی و پيشرفت داشته‌اند، خواسته یا ناخواسته بر
ضد آن وارد شده‌اند.

ابوالفضل ايلچی بيگ هم رييس جمهوری
پيشين آذربايجان در تير ماه سال ۱۳۷۱ - (۱۹۹۲)
در گفت و گویی گفته بود:

در ايران به آذری ها و زبان آذری ظلم
شده و نمی توانم نسبت به سرنوشت
میلیون ها آذری كه در ايران زندگی
می کنند، بی تفاوت باشم. گفت و گو
ش ۲۳ ص ۸۴.

ابوالفضل ايلچی بيگ - رهبر وقت آذربايجان
آشكاره از اشغال آذربايجان ايران سخن می‌گويد
و در يك سخنرانی در باكو از برپایي يك کشور
بزرگ ترك سخن گفت كه می‌بايست ۷۰ ميليون
ترك آناتولی و ۳۰ ميليون آذری يك کشور ۱۱۰
میلیونی تشكيل دهند و پس از اين وحدت به جهان
بگويم كه در اين منطقه بدون تاييد اين کشور
غول نامه هيچ کاری صورت نخواهد گرفت (گفت
و گو، ص ۸۹).

ايلچی بيگ ضمن آن كه مردم آذربايجان
ايران را بخشی از آذربايجان شوروی قلمداد
می‌كرده اعلام كرد: تصور نشود ما فقط هفت و
نيم ميليون جمعيت داريم، بيست ميليون هم در
آذربايجان جنوبی داريم.

بدین سن رهبران جمهوری آذربايجان آشكارا
به استقلال ايران اعلام جنگ داده و ايرانيان را

اشغالگران" و "غاصبان" آذربايجان جنوبی ناميدند.
رهبران ايران كه می‌پنداشتند با از میان رفتن
شوروی برای مرزهای شمالی ايران امنيت فراهم
آمده است، با شگفتی هر چه تمام تر با دشمنی
روبه رو شدند كه بیش از شوروی ايران را تهديد
می‌كرد. اگر در نظر بياوريم كه يك سوم مردم ايران
ترك زبان هستند و گرايشات جدایی خواهانه در
آذربايجان ايران، به هر حال واقعیتی است كه آن
را نمی‌توان انكار كرد، آنگاه خطر پان‌توركيسم را
بهتر می‌توان دريافت. ايران در آغاز سياست
پشتيبانی از آذربايجان را در برابر ارمنستان در
پيش گرفت. برخی تندروها شعار "ارمنستان،
كافرستان" را فراروی سياست خارجی ايران نهادند.

رهبران دينی ايران بر اين گمان بودند كه بر پایه‌ی
انترناسيونالیسم اسلامی بايد از آذربايجان
پشتيبانی کنند. گذشت زمان نشان داد كه اين
سياست بر خلاف منافع ملی ايران بوده زيرا مردم
آذربايجان با آن كه شيعه بودند، اشتیاقی به
حکومت دينی از خود نشان ندادند و با همهی
كمك‌هایی كه ايران به آذربايجان می‌كرد، وحدت
دو آذربايجان را بر حکومت اسلامی ترجيح
می‌دادند. سياست‌های ضد انسانی جمهوری
آذربايجان رهبران دينی ايران را سخت سرخورده
می‌ساخت. آن‌ها می‌پنداشتند كه مذهب تشيع
میان دو کشور ايران و آذربايجان دوستی می‌آفريند،
اما احساسات تند ترك‌گرایی كه از سوی تركيه
تبليغ می‌شد مردم جمهوری آذربايجان را به سوی
خود كشيده بود تا حدی كه ابوالفضل ايلچی بيگ
خود را "سرباز آتاتورك" ناميده و ايرانيان را
آشغالگران تبريز و اردبيل و زنجان نام نهاد و در
سخنرانی‌هایش آشكارا از آزاد كردن تبريز سخن
گفت.

جمهوری آذربايجان استقلال و بكارچگی
ايران را به چالش گرفته بود. سياست صدور انقلاب
اسلامی به آذربايجان شكست خورد و آنگاه كه
يكبارچگی ايران به گونه‌ای جدی از سوی

عده‌ای درصد جداسازی آذربايجان ايران هستند



در تل آویو و واشنگتن جستجو کرد. برای نمونه روزنامه‌ها و مجلات پان‌تورکیستی در تهران و تبریز و زنجان و ارومیه و اردبیل با پول چه کسانی و با کدام امکانات چاپ و پخش می‌شوند؟ گردانندگان آشنا و پنهان این نشریه‌ها چه کسانی هستند؟ بر انگیزختن ترک زبانان ایرانی علیه هم میهنان فارسی زبان و طرح شعارهای تحریک‌کننده چون پان فارسیسم، شوونیسم فارس و فارس‌های نژادپرست در راستای منافع چه کسانی است؟ چه کسانی هستند که با به راه انداختن آتش دشمنی و کینه‌ی فارس و ترک زمینه را برای جنگ داخلی و تکه‌تکه کردن ایران آماده

شرایط سخت سیاسی است که ایران به ناگزیر چه بخواهد و چه نخواهد باید هر چه بیشتر به روسیه و ارمنستان نزدیک شود. "خطر زرد" امنیت ملی ما را تهدید می‌کند، این خطر دهشتبار گسترش مناسبات با ارمنستان و روسیه را در دستور کار سیاست خارجی ایران نهاده است. "خطر سرخ" از میان رفته است. "خطر زرد" را جدی بگیریم.

می‌کنند؟ چه کسانی هستند که در این نشریات الفبای ترکی لاتین رایج در ترکیه را آموزش می‌دهند. و در نوشته‌های خود واژگان و اصطلاحاتی که در زبان ترکی ترکیه و نه ترکی رایج در ایران به کار می‌رود را به کار می‌برند؟ چه کسانی هستند که در نوشته‌هایشان از افراسیاب توراتی برای مردم آذربایجان قهرمان ملی می‌سازند

و به فردوسی و شاهنامه دشنام می‌دهند و حماسه‌ی دده قورقوت و کوراولی را بر حماسه‌ی رستم و سهراب و اسفندیار برتر می‌نهند؟ این کارها با چه اهدافی انجام می‌شود؟ همه واقعبین‌ها نشانه‌ی آن است که آمریکا و اسرائیل همان توطئه‌ای را که در شوروی و یوگسلاوی و افغانستان از راه برانگیختن احساسات قومی و دامن زدن به کینه‌ها و دشمنی‌های نژادی انجام دادند، در ایران هم می‌خواهند انجام دهند، آیا آمریکا و اسرائیل خواهند توانست به یاری مزدوران منطقه‌ای خود ایران را تکه‌تکه کنند؟ در چهارچوب این

آذربایجان به چالش گرفته شد، ایران راه دوستی با ارمنستان را برگزید. از آن جا که در جهان سیاست دشمن دشمن، دوست می‌باشد، ایران برای تامین امنیت ملی خود به ناچار به سوی دشمن سرسخت آذربایجان، ارمنستان روی آورد. رهبران ایران که به حق نگران امنیت ملی کشور بودند، به ناچار برای از میان بردن خطر آذربایجان، راهکار یازی رسانیدن به ارمنستان را در پیش گرفتند: این سیاست با منافع ملی ایران سازگاری داشت و می‌بایست زودتر از این‌ها در پیش گرفته می‌شد، اما رهبران دینی ایران را از دیدگاه انقلاب اسلامی یا دشواری ایدئولوژیکی بزرگی روبه‌رو ساخت و گونه‌ای ناسازگاری میان منافع ملی ایران و اهداف انقلاب اسلامی را پدید آورد و سیاست خارجی ایران که بر پایه‌ی انترناسیونالیسم اسلامی استوار شده بود را زیر سوال برد. آذربایجانی‌ها مسلمان و پیرو مذهب تشیع بودند، ارمنی‌ها نه مسلمان بودند و نه شیعه مذهب، آنگاه که بر سر قره‌باغ جنگی خونین میان دو جمهوری همسایه در گرفت، چشمداشت جهان اسلام آن بود که جمهوری اسلامی ایران از مردم مسلمان آذربایجان در برابر نامسلمانان ارمنی پشتیبانی کند، اما ایران با شگفتی از ارمنیان پشتیبانی کرد. سیاست پشتیبانی از ارمنستان سیاستی درست بود و ما نمی‌خواهیم بر آن خرده بگیریم.

تنش‌های موجود در روابط ایران و آمریکا از سویی و تنش‌های فراوانی که میان ایران و آذربایجان می‌باشد فعال شدن محور تهران-ایروان - مسکو را گریزناپذیر ساخته است. و همگی مدارک و شواهد گویای آن است که ریشه‌های پان‌تورکیسم را باید فراتر از امکانات و توانمندی‌های دولتی کوچک چون آذربایجان یا دولتی غرق در گرفتاری‌های بزرگ اقتصادی چون ترکیه دید. هوشیاری سیاسی ما را بر آن می‌دارد که در ورای دولت‌های ترکیه و آذربایجان، دست سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل را بنیم. توطئه بزرگی مانند جدا کردن شش استان پر جمعیت ایران که سر آغاز تکه‌تکه کردن گونه‌ی ایران می‌باشد، طرحی بزرگتر و پر هزینه‌تر از آن است که کشورهای ترکیه و آذربایجان بتوانند آن را به پیش برند. این دو دولت سرسپرده به مانند مزدوران امپریالیسم تنها ابزار اجرای این توطئه هستند. سرخ پان‌تورکیسم و رویدادهایی این چنین را باید



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو IATA)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهارده سال سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاه‌نظری
پلاک ۴۱، صندوق پستی: ۱۹۹۱-۱۴۱۵۵
تلفن: ۲۲۲۱۰۳۶-۲۲۲۷۰۰۶۱-۲۲۲۷۰۰۶۲
فاکس: ۲۲۷۰۰۶۲